اهالی کتاب به شما پیشنهاد می‌دهند

از نمایشگاه کتاب چه بخریم؟

احسان رضایی

ادبیات کهن

تذکرةالاولیاء (عطار، تصحیح دکتر شفیعی کدکنی، نشر سخن)
درست است که قصه کتاب، کمی بالا ۳۰۰هزار تومان برای ۲ جلد) است، اما به هر حال انتشار یکی از سه شاهکار نثر فارسی با تصحیح و توضیح‌های استاد کدکنی اتفاق خیلی مهمی است.

روایت‌های خاندان رستم و تاریخ‌نگاری ایرانی (سافی گازرانی، ترجمه سیما سلطانی، نشر مرکز)
«شاهنامه» همه داستان‌های حماسی ایران را شامل نمی‌شود و منظومه‌های دیگری هستند که آن را کامل می‌کنند. کتاب این منظومه‌ها را که اغلب درباره خانواده رستم هستند بررسی می‌کند، همراه با ربط‌شان به تاریخ اشکانیان.

گزیده رباعیات بیدل (به انتخاب و شرح محمدکاظم کاظمی، انتشارات سپیده‌باوران)
کاظمی که خودش هم شاعر درجه یکی است، بعد از یک گزیده خوب از غزلیات بیدل، رفته سراغ رباعیات او.

داستان

اولیس (جمیز جویس، ترجمه فریدِ قدمی، انتشارات ماینا هنر)
از این کتاب معروف، قبلا موتچهر بدیعی ترجمهٔ فصل ۱۷ ویک‌بار هم خلاصه داستان را منتشر کرده بود. حالا یک مترجم جوان که البته سابقه ترجمه شعرهای جویس را دارد، کتاب را ترجمه کرده است.

بند/ کابل اکسپریس (سدریک پاتیل، ترجمه ابوالفضل اللهدادی، انتشارات نگاه)
با انتشار این دو جلد، علاوه‌بر «مرد کابل» که قبلا خوانده بودیم، سه‌گانه اسامه قندار، کارآگاه افغانستانی کامل می‌شود. تصویری متفاوت و پرجزئیات از افغانستان.

بیکار با سرنوشت (واسیلی گروسمان، ترجمه سروش حبیبی، نشر نیلوفر)
اگر دوستدار رمان‌های تاریخی هستید، چی بهتر از رمانی درباره نبرد استالینگراد، آن هم با ترجمه استادی مثل سروش حبیبی؟

جشن جنگ (احمد دهقان، کتاب نیستان)
بعد از ۶ سال اثری جدید از احمد دهقان منتشر شده، یکی از جدی‌ترین داستان‌نویس‌هایی که از جنگ طنث‌ساله ما می‌نویسد و انصافا هم خوب و خواندنی می‌نویسد.

معروف و خاص در عرفان اسلامی. این کتاب برنده بوکر عربی ۲۰۱۷ شده.

محوس (جان فاولز، ترجمه پیمان خاکسار، نشر چشمه)
اگر به ایده دنیاهای موازی علاقه دارید، اگر رمان طولانی (خیلی طولانی‌ها!) می‌خواهید که مدت‌ها درگیرش باشید، اگر سلیقه پیمان خاکسار را می‌پسندید، حکما از این کتاب خوشتان می‌آید.

ماجراهای تام بامبادیل (تالکین، ترجمه رضا کیامحمدی، نشر روزنه)
برای تالکین‌بازها و دوستداران ادبیات فانتزی بهترین خبر ممکن همین است که یکی دیگر از ماجراهای سرزمین میانه را بخوانند.

میدل مارچ (جورج الیوت، ترجمه رضا رضایی، نشر نی)
یک ترجمه خوب از رمانی اجتماعی که در خیلی از فهرست‌های top ten از بهترین‌های رمان‌های تاریخ حضور دارد.

یاد نشون بخیر (دیوید فاستر والاس، ترجمه پرستو گرانمایه، نشر ثالث)
چهار داستان کوتاه که هر کدام بریده‌های غم‌انگیزی از زندگی و تنهایی انسان مدرن را روایت می‌کند.

ناداستان

نگاه که خودم را یافتم (اروین یالوم، ترجمه نازی اکبری، نشر ققنوس)
یالوم، روانشناسی اگزیستانس و رمان‌های روانکاوانه‌اش خیلی طرفدار دارند. احتمالا زندگینامه‌اش هم همین‌طور شود.

حرف بزن، خاطره (ولادیمیر نابا‌کوف، ترجمه خاطره کرد کریمی، نشر چشمه)
ولادیمیر نابا‌کوف رمان‌نویس، اینجا از زندگی خودش گفته. زندگی پرماجرایی که با دو جنگ جهانی و یک انقلاب سرخ همراه بوده؛ به‌اضافه کلی باد و خاطره از چهره‌های ادبی قرن بیستم.

سفر قیرمان (جوزف کمبل، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز)
مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای کمبل است و اگر درباره اسطوره قبلا خوانده باشید، می‌دانید که نمی‌شود از آثار کمبل گذشت.

کتاب مرتضی کیوان (به کوشش شاهرخ مسکوب، انتشارات فرهنگ جاوید)
مرتضی کیوان، از شخصیت‌های معروف ادبیات معاصر است که شاعران زیادی برای او شعر گفته‌اند. این اثر مجموعه‌ای است از یادها درباره او و بعد از دو دهه نایاب‌بودن تجدیدچاپ شده است.

هیچ چیز اینجا نیست (انی دیلارد، ترجمه محمد ملاعباسی، نشر اطراف)
اگر مجموعه جستارنویسی نشر اطراف را دیده و خوانده‌اید که خودتان می‌دانید نباید ششمین کتاب این مجموعه را از دست داد، اگر هم هنوز با این مجموعه آشنایی ندارید، نمایشگاه کتاب فرصت خوبی برای شروع است.

تاریخی

بیکران سرنوشت ما (مهدی خیامی، نشر نی)
کتابی از خاطرات احمد خیامی، یکی از دو برادری که ایران خودرو را راه انداختند.

تراژدی جهان اسلام (محسن حسام مظاهری، نشر آرما)
این کتاب سه جلدی، تصویر عزاداری شیعیان ایران در روایت سفرنامه‌نویسان اروپایی را بررسی کرده است.

روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار (به کوشش مجید عبدامین، نشر سخن)
مجموعه چهارجلدی یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه که از ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۳ قمری و ۴۸ ساعت قبل از ترورش را شامل می‌شود.

میثم رشیدی
داستان‌ها

رمان پل /از بارسلتان و غلامحسین دولت‌آبادی / نشر اسم
اتفاق‌های رمان «پل» در حواشی پل‌های مرکز شهر تهران، مثل پل سیدخندان، پل چوبی، کریمخان، روشندلان، کالج و دویل موجود در خیابان حافظ می‌گذرد، آن هم فقط در طول یک شبانه‌روز. اما اینکه شخصیت‌های کتاب چطور از این پل‌ها عبور می‌کنند، هربار ماجرایی داره که باید بشینی و ۶۰۰ صفحه رمان بخونی...

رمان رهش /رضا امیرخانی / نشر افق
این رمان قبل از انتشارش حاشیه‌هایی ساخت و امیرخانی وقتی برای دریافت جایزه‌ای در بخش جنبی به سالن برگزاری جایزه جلال آل‌احمد رفته بود، گفت کتابش برای روزهای آلودگی هوا در تهران است و خواسته بود که به کتابش زودتر مجوز بدهند. این کتاب بعد از انتشارش هم با موافقان و مخالفان زیادی روبه‌رو شد. خواندن این کتاب برای هر تهرانی و هرکسی که به این شهر سفر می‌کند واجب است.

رمان بی‌کتابی /شرفی خبوشان / انتشارات شهرستان ادب
رمان بی‌کتابی رمان تازه‌ای نیست اما چون حکایت نسبت تاریخی ما با کتاب را نشان می‌دهد، باید آنقدر در لیست‌های پیشنهادی بیاید تا همه آن را بخوانند!

بخل و نارنج / وحید یامین‌پور / کتاب جمکران
وحید یامین‌پور برعکس تند و تیزی‌هایش در مواجهات سیاسی، قلمی نرم و رمان دارد. مطمئنم در فصل اول پاگیر این داستان می‌شوید. برای همین باید این کتاب را که درباره زندگی یک شخصیت تأثیرگذار دینی و اجتماعی است را به شما پیشنهاد کنم.

اتوت/ امیر خداوردی / نشر نگاه
آلوت خیلی دیر به چشم منتقدان ادبیات داستانی آمد و این را باید به پای کم حرفی نویسنده‌اش گذاشت. این داستان اما توانست در مدت کوتاهی در چندین جایزه ادبی، نامزد شود و حتی جوایزی را از آن خود کند. یک تکفیری در این داستان به‌خوبی تصویر می‌شود. فقط باید مواظب باشید صدای خنده‌تان مزاحم کسی نشود.

سهم‌های گمشده/ابدا مرادی‌هی/ نشر کتاب‌سده
برنده شدنش در جایزه شهید حسینی غنی‌پور بهترین دلیل برای خواندن این رمان است. اولیل رمان را هم اگر بتوانید تحمل کنید به جاهای خوبی می‌رسید.

روایت‌های مستند دفاع مقدس و جبهه مقاومت
خانم کارکوب / رضیه غبیشی / انتشارات شهید کاظمی
در این کتاب با مادر شهیدی آشنا می‌شوید که تا حالا نمونه‌اش را ندیده و نشنیده‌اید. برای این مادر چند شهید و جانباز، اتفاقی می‌افتد که خواندنش، نفس‌تان را حبس می‌کند!

مجموعه مدافعان حرم/ نویسندگان مختلف/ روایت فتح
ابتدا می‌خواستم فقط کتاب عمار خبر را از این مجموعه را پیشنهاد کنم اما دلم نیامد از بقیه کتاب‌های این مجموعه بگذرم. حساسیت انتشارات روایت فتح به کتاب‌های این مجموعه باعث شده با متن‌هایی قوی و تاثیرگذار روبه‌رو باشیم.

مربع‌های قرمز/ زینب عرفانیان/ انتشارات شهید کاظمی
این روزها که ماجرای نقش حاج حسین یکتا در یاری‌رسانی به سیل‌زدگان پررنگ شده بهترین فرصت برای خواندن کتاب خاطرات این مرد جهادگر است. کتابی که در متن هم شما را شگفت‌زده خواهد کرد.

من در قلب بودم/ خاطرات محمد فاهم/ ترجمه وحید خضاب/ نشر نارگل
روایت این کتاب از جوانی که به دل داعش می‌رود و بعد از آن تصمیم می‌گیرد از آنجا فرار کند، آنقدر واقعی است که ممکن است حتی به داعش علاقه‌مند شوید!

در هیاهوی سکوت/ جواد کلاته‌عربی/ نشر بعثت ۲۷
هم زندگی شهید عباس ورامینی پر از فراز و نشیب است و هم قلم پژوهنده کلاته‌عربی باعث شده خیالتان را راحت کنم که اگر این کتاب را بخرید و بخوانید، ضرر نمی‌کنید.

نقاشی قهوه‌خانه/ محسن کاظمی/ خاطرات کاظم دارابی، متهم دادگاه میکونوس/ سوره مهر
ممکن است قیمت این کتاب جیبتان را اذیت کند اما فرصت نمایشگاه را برای خریدش مغتنم بشمارید. حیف است از این متن خواندنی و عجیب، به‌راحتی بگذرید.

روایت‌های مستند

دهکده خاک بر سر/ فائقه غفارحدادی/ سوره مهر
این کتاب حاوی مشاهدات و تجربیات یک زن از زندگی در لوزان سوئیس است. یک کتاب عجیب و غریب که اگر مقدمه‌اش را بخوانید، بعید است بتوانید زمین بگذارید‌ش.

نفس/بهزاد دانشگر/ نشر تلاوت آرامش
بهزاد دانشگر پای صحبت یک زن نشسته و خاطرات او از یک تحول عظیم روحی را بی‌کم و کاست برایمان در قالبی داستانی روایت کرده. روایتی واقعی و نفس‌گیر.

و در آخر، یک پیشنهاد ویژه

بری‌دخت/ حمید عسگری/ نشر قسمت
اصلا درباره این کتاب نمی‌شود چیزی گفت. هر چه بوده را نویسنده در جملات عاشقانه‌اش نوشته تا فقط متحیر شوید و حظ ببرید.

حسام آبنوس

در جست‌وجوی حقیقت

یافتن عامل مرگ مشکوک مالک کارخانه خودروسازی فیات و مدیرعامل باشگاه یوونتوس و پسر یکی از معروف‌ترین سیاستمداران ایتالیا به اندازه کافی جذاب هست تا بتواند بار یک قصه را روی دوش حمل کند و خواننده را تا آخرین صفحه با خود بیاورد، ولی این تمام ماجرا نیست. قصه زمانی جذاب‌تر می‌شود که بفهمیم این چهره مشهور به دیدار رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی(ره) آمده و این دیدار؛ تاثیر زیادی در تغییر مسیر زندگی‌اش داشته است. رمان «اودارو» راوی کشف سرنخ‌های مرگ مشکوک اودارو آنیلی است که بهزاد دانشگر آن را نوشته و نشر عهد مانا منتشر کرده است.

سرگشته راه حق!
همکاری با ویکی‌لیکس و افشای اطلاعاتی که در آن نشان می‌دهد آمریکا به نیروهای تکفیری در سوریه سلاح‌های شیمیایی می‌رسانده، بخشی از روایتی است که رمان تحسین‌شده «شهرهای گمشده»، اثر آیدا مرادی‌آهنی بازگو می‌کند. دختری ایرانی که به گذشته خویش پشت کرده و در دنیای جدیدی که انسان‌ها با هم بیگانه‌اند و با ویکی‌لیکس همکاری می‌کند. قصه اصلی و خرده روایت‌هایی که در این کتاب، خواننده با آن روبه‌رو می‌شود سبب‌شده که خواننده نتواند از شهرهای گمشده، خارج شود و تا سرگذشت شخصیت‌های مختلف روشن نشود از آن بیرون نیاید.

بازگشت به تاریخ:
روایتی از تاریخ اسلام، روایتی عدالت‌خواهانه که در آن نشان داده می‌شود شیعه از چه مسیری عبور کرده تا به این نقطه برسد. انحراف‌هایی که مسیر تاریخ را عوض کرد و نشان داد که چه تاثیری بر سرنوشت بشر گذاشت. اینها را می‌توان در رمان «پس از بیست سال» سلمان کدیور که نشر شهرستان ادب به‌تازگی منتشر کرده، خواند. اثری که با محوریت تاریخ اسلام نوشته شده و روایتی از سال‌های پس از شهادت امیرالمومنین علی(ع) تا شهادت سیدالشهدا(ع) در عاشورای محرم ۶۱ هجری! جنگ صفین و تضارب میان برداشت‌های متفاوت از اسلام در آن برهه از تاریخ، دستمایه خلق اثری سترگ شده که نویسنده‌ای جوان آن را زمینه خلق اثرش کرده است.

محمدصادق علیزاده

روزهای بی‌اینه!
خواندنش تا نیمه‌شب طول کشید! کتاب را دست گرفتم و دیگر نشد زمین بگذارم و یک نفس تا صفحه آخر رفتم. به ساعت که نگاه انداختم دو و نیم بعد از نیمه‌شب بود. نصفه شبی حالا باید فکری برای اشک‌هایم می‌کردم که بند نیاید. تحمل این حجم از درد و رنج توسط یک زن، بدجور ذهن و روان آدم را به خودش مشغول می‌کند. پیشنهاد خوبی است اگر گهگاه در زندگی می‌خواهید آن طرف می‌خواهید بفهمید انسان چه ظرفیتی دارد. قنبارک‌الله احسن‌الخالقین! منیژه لشگری اگر بیشتر از حسین لشگری ارج نبرده باشد، کمتر هم نبرده!

تو دیگه کی هستی؟!
تا حالا هر چه بوده، فحش و فضیحت بوده و آن هم از این طرف! داعش و حضرات تکفیری‌ها را می‌گویم. نشسته‌ایم این طرف دلمان ایران و هر چه به دهان‌مان آمده و نیامده، بارشان کرده‌ایم. این وسط کمتر پیش آمده که یک مترجم برود سراغ یک زن از خودش و خودش‌تان را به روایت خودش تعریف کند. وحید خضاب این کار را کرده و حاطرات یکی از داعشی‌هایی را ترجمه کرده که اروپا و غرب را ول کرده و خودش را به آب و آتش زده و رسانده به سوریه تا زیر پرچم سیاه داعش بجنگد. حاصلش شده «من در رقه بودم». بین خودمان بماند، راوی کتاب چنان در تکفیر، عنان از کف داده که از جانب خود داعشی‌ها به جرم افراط در تکفیر طرد شده!

مهار شلتاق بازار آزاد
در اوضاع و احوال این روزهای مملکت که مدافعان شعار دادن افتاد! باشد ولی «امپریالیسم سایبر» را برای مطالعات انتقادی سایبر هم که شده بخوانید!

دهکده خاک بر سر!
یک زن مسلمان با علایق دغدغه‌های عمیقا دینی و مذهبی و شیعی که با یک فرزند خردسال و فرزند دیگری که در راه است، یکهو پرت می‌شود توی دل اروپا در سوئیس! هم باید زندگی کند هم مرحوم و صغر برای همسایه‌های مسیحی‌اش شله زرد بپزد و هم به سوال‌هایشان جواب دهد و هم نوراد پاپه‌هاش یکهو هوس به‌دنیا آمدن می‌کند و قس علی‌هذا! به اندازه کافی جذاب هست؟ نه؟! خب پس روایت نمکین فائقه (بله فائقه) غفارحدادی را از یک سال زندگی در لوزان بخوانید. از غفار حدادی یک کتاب دیگر هم منتشر شده که عجیب خواندنی است: «خط مقدم». روایتی داستانی و البته بسیار مستند و دقیق از فرآیند موشکی‌شدن جمهوری اسلامی و نقش حاج حسن طهرانی‌مقدم در این جهاد موشکی که البته برخلاف طنز دلنشین دهکده خاک بر سر، خیلی جدی و البته روان است.

حمید نوروشمسی

از عشقاباد تا عشق‌آباد!
لذت خواندن یک رمان که نویسنده‌اش بلد است قصه بگوید و دنبال به رخ کشیدن توانایی زبانی خودش نیست چیزی نیست که توی این روزگار به‌راحتی نصیب هرکسی شود. به‌خصوص که آقای نویسنده، داستانش را بلد بیاید. تحمل این حجم از درد و رنج توسط یک زن، بدجور ذهن و روان آدم را به خودش مشغول می‌کند. پیشنهاد خوبی است اگر گهگاه در زندگی می‌خواهید آن طرف می‌خواهید بفهمید انسان چه ظرفیتی دارد. قنبارک‌الله احسن‌الخالقین! منیژه لشگری اگر بیشتر از حسین لشگری ارج نبرده باشد، کمتر هم نبرده!

کلاسیک دوست داشتنی
«خوشه‌های خشم» از آن نمونه‌های ادبیات کلاسیک است که به خاک سیاه نشستن بخشی از جامعه زیر پای ماشینیسمی که پشت گرم به سرمایه‌داری است که کانه غول می‌آید و می‌بلعد و می‌رود و مشتی بیکار و گرسنه و حاشیه‌نشین تحویل می‌دهد. یک پا جامعه‌شناسی سرمایه‌داری بشر ابتدای قرن بیستم که هنوز خماری مستی صنعتی شدنش نبریده!

نگاه انتقادی به حضرت سایبر
درست است که خودمان از اهالی ارتباط و رسانه هستیم و عصر جهانی‌شدن و امثالهم هم لقلقه زبان‌مان است اما شاید بد نباشد مکث کوچکی کنیم به وضعیتی که امروز بر بشر تحمیل شده و همه زبان به بدبه و چهچه آن گشوده‌اند نه اینکه بیاید خرد و تکفیرش کنیم بلکه از آن جهت که حداقل خودمان بدانیم عارضه فعلی بشر و عصر ارتباطات و انقلاب رسانه و این دست رطب و یاس‌ها، آن کوبتی هم که می‌گویند نیست! می‌دانم! الان می‌گویید باز به دام

کتابخوان‌ها همیشه دنبال کتاب هستند و فرقی برایشان ندارد نمایشگاه باشد یا نه، هر زمان که کتاب جدید بیاید به‌دنبال آن می‌روند تا کتاب را بخرند و بعد هم بدون اینکه وقت را از دست بدهند، خواندنش را شروع می‌کنند. حالا فصل بهار و اردیبهشت و نمایشگاه کتاب، مطمئنا کتابخوان‌ها این فرصت را هم غنیمت می‌دانند و به‌دنبال کتاب‌هایشان به نمایشگاه می‌روند. در این گزارش به‌سراغ کسانی رفتیم که در طول سال مدام با کتاب‌های مختلف درگیرند و گزارش می‌زنند و کتاب می‌خوانند و می‌نویسند. خواستیم تا برایمان چند خطی از کتاب بگویند و اینکه چه کتاب‌هایی را می‌توان امسال در نمایشگاه کتاب تهران خرید.

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

مدافع حرم

به بهانه بازگشت پیکر پاک شهید مجید قربانخانی کتاب خاطرات او را بازخوانی کردیم

قصه‌های مجیدی که با بی‌بی رفت

سیدمهدی موسوی‌نیار
روزنامه‌نگار

نه رویاست و نه فیلم هندی، هنوز هم می‌شود تغییر کرد، هنوز هم می‌شود از دل یه صدر رسید و هنوز هم می‌شود... در حکایت مجید قصه ما باز هم «بی‌بی» دارد خواب حضرت زهرا(س) را می‌بیند و برای دفاع از حرم حضرت زینب عازم می‌شود. پدرش می‌گوید: «سال ۹۴ مجید خواب حضرت زهرا(س) را دیده بود. در خواب، ایشان به او گفتند اگه به سوریه بیایی، یک هفته پیش مایی. پسرم بعد از این خواب تمام خلاف‌هایش را کنار گذاشت، کتاب «مجید بربری» که در نمایشگاه کتاب امسال مورد استقبال قرار گرفته است حکایت جذاب و البته نه کامل از زندگی اوست. حساسیت‌های خانواده‌اش شاید باعث حذف بخش‌هایی از داستان زندگی‌اش شده است. آخرین روز فروردین پیکرش بعد از سه سال به ایران برگشت و حالا قصه‌اش بر سر هر بازاری روایت می‌شود. متولد مرداد ۶۹ داستان ما واقعی است. دوستانش هنوز متعجبند از این تغییر و تحولات. از فرنتش در روز ۲۱ دی ماه سال ۹۴.

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با نویسنده کتاب «مجید بربری»

چرا مجید؟

کبری خدابخش دهقی، نویسنده «مجید بربری» درباره این کتاب می‌گوید: «من در سال ۹۵، برای سایت مشرق می‌نوشتم. در خرداد آن سال گزارشی درباره مجید نوشتم با عنوان «خاکعلی مجید سوزکی یافت‌آباد در خاک طومان باگ شد». آن گزارش بازخوردهای زیادی داشت. کسی پیش از این مجید را نمی‌شناخت. به‌خصوص در فضای مجازی خیلی خوب دیده شد. داستان این شهید برایم جذاب بود و چند روز بعد شروع به نوشتن کتاب کردم و در بهمن سال بعد از کتاب رونمایی شد. ابتدا نام کتاب «پناه حرم» بود که بعد از چاپ اول و با توجه به اینکه این شهید، اینبشر یا عنوان بربری می‌شناختند، چاپ‌های بعدی به اسم «مجید بربری» و بدون تغییر متن و فقط با تغییر جلد منتشر شد.» خدابخش در پاسخ به اینکه نوشتن درباره شهدای مدافع حرم چه تفاوتی با شهدای جنگ تحمیلی دارد، گفت: «بسیاری از خاطرات تازه هستند و خانواده و دوستان شهید نیز حضور دارند و با جزئیات بیشتری خاطرات و ویژگی‌های شهید را تعریف می‌کنند. البته ملاحظاتی نیز در این خصوص وجود دارد که شاید در مورد شهدای قدیمی‌تر صدق نکند. کتاب با تکنیک فلش‌بک نوشته شده است. از لحظه شهادتش شروع می‌شود و در انتها به زندگی‌اش می‌رسد». این نویسنده در ادامه با اشاره به بازگشت پیکر شهید قربانخانی به ایران می‌گوید: «استقبال فوق‌العاده‌ای از این شهید شد اما سال گذشته نیز این کتاب مورد توجه بخش زیادی از جامعه و به‌خصوص جوانان قرار گرفت. مجید هم مثل شهید حججی تاثیر زیادی روی جوانان داشته است.» او با بیان اینکه این کتاب را از دو بخش به دفتر رهبری رسانده است، اضافه کرد: «یک بار این کتاب را به دفتر رهبری ارسال کردیم و یک‌بار هم توسط پدر مجید یک جلد از این کتاب به مقام معظم رهبری داده شد اما هنوز نمی‌دانیم که این کتاب توسط ایشان خوانده شده یا خیر.»

خدابخش با بیان اینکه قرار نیست فعلا به حجم کتاب اضافه شود، گفت: «خانواده شهید توصیه کردند که بازخوردهای خوانندگان کتاب را به کتاب اضافه کنیم. پیشنهاد خوبی است و اضافه خواهد شد. البته یک بخش‌هایی از زندگی شهید هم هست که خانواده‌اش از انتشار آنها پرهیز دارد و آن قسمت‌ها در کتاب نیست و فکرمی کنم که مثلا ۱۰ سال بعد هم می‌توانیم آن را به بخش داستان زندگی مجید اضافه بکنیم.»

رونمایی با اسم اول

چهارمین روز بهمن ۹۶ مراسم رونمایی از کتاب زندگینامه مجید قربانخانی با نام «پناه حرم» و با حضور نویسنده و ناشر کتاب، خانواده، فرمانده و همرزمان شهید در حرم‌گزاری دفاع مقدس برگزار شد. در این مراسم کبری خدابخش دهقی، نویسنده کتاب هدفش از نوشتن این اثر از این گونه گفته بود: «قصه مجید قصه‌ای متفاوت است، این کتاب رواینگ سرگذشت جوانی با تیپ، رفتار و منش امروزی است که اگر الان شبیه او را در خیابان ببینیم با چشمان‌مان او را قضاوت می‌کنیم، غافل از اینکه خوبی‌ای در وجودش بود که سبب شد خداوند مجید را برای خودش برگزید. شاید مجید اشتباهات و خطاهایی داشته است ولی وقتی وارد حرم حضرت زینب(س) و حضرت رقیه(س) می‌شود حالاتی که پیدا می‌کند باعث می‌شود تا بانو او را انتخاب کند.»

چرا بربری؟

مجید خودمختار بود. از هیچ کس حرف‌شنوی نداشت. بدنش خال کوبی شده بود و چندین نوچه داشت. سال ۹۳ به پیاده‌روی کربلا رفت و به گفته خودش در بین الحرمین از امام حسین(ع) خواسته بود آدمش کند. سال بعد مجید به هیاتی رفت که آنجا درباره مدافعان و در مدح حرم و حضرت زینب(س) می‌خواندند و مجید در آنجا از شدت گریه بیهوش شده بود.

حرف‌های خواهر

مجید هیچ وقت علاقه‌ای به درس خواندن نداشت. تا کلاس هشتم خواند و برای همیشه کتاب‌های درسی‌اش را در قفسه‌های کتاب به‌یادگار گذاشت و کنار پدر در بازار آهن مشغول به کار شد. در آمد روزانه‌اش را بین من و مادر و دیگر خواهرانم تقسیم می‌کرد، وقتی به این رفتارش معترض می‌شدیم، می‌گفت روزی رسان اصلی خودتان است. همه خانواده و فامیل آرزویمان بود که داماد‌ی مجید را ببینیم، وقتی می‌گفتیم بریلت آستین بالا نزنیم، می‌گفت: «داماد‌می‌شوم، عروسی‌ام خیلی هم شلوغ می‌شود، ماشین عروسم به‌جای اینکه گل قرمز داشته باشد، گل ساده دارد» و چون خیلی شوخ طبع بود هیچ کدام از ما حرف‌هایش را صلجدی نمی‌گرفتیم. مجید هیچ وقت اهل نماز و روزه و دعا نبود، اما سه چهار ماه قبل از رفتن به سوریه به کلی متحول شد، همیشه در حال دعا و گریه بود، نمازهایش را سروقت می‌خواند، حتی نماز صبحش را نیز اول وقت می‌خواند. خودش همیشه می‌گفت نمی‌دانم چه اتفاقی برایم افتاده که این طور عوض شده‌ام و دوست دارم همیشه دعا بخوانم و گریه کنم و همیشه در حال عبادت باشم. در این مدتی که دچار تحول روحی و معنوی شده بود همیشه زمزمه لبش «پناه حرم» بود؛ همیشه ارادت خاصی به حضرت زینب(س) داشت.

بخشی از کتاب «مجید بربری»

شهره خانه حاج مسعود

صدای قل قل قلیان به گوش و بوی تنباکوی میوه‌ای به مشام می‌رسید. روی تخت‌های دو نفره و سه نفره، کنار هم نشسته، چایی می‌خوردند و قلیان هم کنارشان بود. گاهی دودی از یک تخت بالا می‌رفت و چند ثانیه بعد در هوا محو می‌شد. اینجا برای مجید از آشنا نبود. بیشتر شب و روزهای جوانی‌اش را روی همین تخت‌ها با دوستانش گذرانده بود. مجید از راه رسید. یک دفتر و خودکار هم در دستش بود. با بیشتر آنهایی که روی تخت‌ها نشسته بودند و گپ می‌زدند، سلام و علیک داشت، گاهی بعضی از آنها حتی برای مجید بلند می‌شدند و جا برایش باز می‌کردند. یکی دو نفری هم نی قلیان را به سمت مجید کج می‌کردند و تعارفی به مجید می‌زدند.

- آقا مجید، طعم پرتقال، بفرما

+نه داداش، من چند ماهی میشه که دیگه نمی‌کشم.

-ای بابا مجید جون بیا یه دم بزن، حالش رو ببر.

+می‌گم نمی‌کشم، تو میگی بیا یه دم بزن.

وبی‌آنکه بی‌حرف راگیرد کنار حاج مسعود رفت. حاج مسعود مداح هیات بود. بیشتر محرم‌ها مجید در هیات حاج مسعود سینه می‌زد و گاهی میدان‌دار هیات هم می‌شد. حاج مسعود در دوران پچگی اش به حج مشرف شده بود و از همان روزها حاجی قبل از اسمش مانده بود.

مجید سلام کرد و گفت:

-حاجی بیا کارت دارم.

حاج مسعود از اتاق بیرون آمد و با حوله کوچک دستانش را خشک می‌کرد.

+جونم مجید، کاری داری.

-بیا داداش، بیا حاجی جون چهارتا حرف قلمبه سلمبه باید من بده، من سواد آنچنانی ندارم، می‌خوام وصیتم را بنویسم.

+مجید، این دیگه از اون حرف‌هاست. خودت باید بنویسی، من آخه چی بهت بگم.

بر روی لبه یکی از تخت‌ها نشست و شروع به نوشتن کرد. مجید و حاج مسعود با هم زیاد خاطره داشتند. سال‌های زیادی بود که با هم بودند. اول هم صنف، بعد هم بچه محل بودن. شان آن دو را کنار هم قرار داده بود. مسعود نگاهش کرد و با دوری افتاد که بچه‌های قهوه‌خانه خیرداشته بودند مجید قرار است به سوریه بروند. آن ماه به‌دلش این حرف به گوش همه رسیده بود. خیلی‌ها تعجب کرده بودند و می‌گفتند: -نه بابا، این سوریه بره نیست. حالا هم می‌خواد به اعتباری جمع کنه.

-آخه اصلا مجید رو سوریه نمی‌بری، مگه میشه، مگه داریم.

۹ قاب جادو

۳ گزینه احتمالی سریال ماه رمضان

از یادها رفته

برادر جان

دلدار

سه سریال «از یادها رفته»، «دلدار» و «برادر جان» در حال حاضر سه گزینه اصلی شبکه‌های یک، دو و سه سیما برای پخش در ماه مبارک رمضان با مضمون‌های تاریخی، عاشقانه و مذهبی هستند. حضور پیشکسوتانی چون بیتا فرهی، علی نصریان و بهراد فراهانی از جمله ویژگی‌های سریال‌های رمضانی امسال است. «ایسنا» در گزارشی در مورد سه سریال احتمالی ماه رمضان امسال نوشت:

از یادها رفته

«از یادها رفته» به کارگردانی بهرام بهرامیان و تهیه‌کنندگی اکبر تحویلیان که پیش از این در شبکه پنج سیما کلید خورد، به شبکه یک رسید. این سریال تاکنون از سوی تلویزیون به‌عنوان سریال رمضانی این شبکه معرفی نشده است اما به نظر می‌رسد تنها گزینه یک رمضانی باشد. تاکنون تدوین ۲۰ قسمت از «از یادها رفته» تمام شده و بخشی از آهنگسازی آن باقی مانده است. در بدو امر اعلام نشد که این سریال به مناسبت ایام رمضان ساخته می‌شود و فاز اول آن در ۲۵ قسمت آماده می‌شود. سریال «از یادها رفته» اثری تاریخی متعلق به دهه ۲۰ محسوب می‌شود که حامد افضلی و رویا خوزنجد نویسندگی آن را برعهده داشته‌اند و عباس نعمتی به‌عنوان سرپرست نویسندگان، حضور دارد. این سریال به روایت زندگی و آداب و رسوم ایرانیان در دهه ۲۰ می‌پردازد و سراغ وقایع قصه زندگی «خسرو» و «مهرپانو» می‌رود که به شکل یک رمان روایت می‌شود. همچنین قرار است به موضوعاتی تاریخی مثل کشف حجاب و کشت و تولید تریاک در این سریال پرداخته شود. سریال «از یادها رفته» بازیگران مختلفی دارد که ازجمله آنها می‌توان به حسین پاکدل اشاره کرد که چند سالی می‌شود کمتر به‌عنوان بازیگر در قاب تلویزیون حضور داشته است. حضور رضا یزدانی خواننده هم از نکات قابل ذکر درباره ترکیب بازیگران این سریال محسوب می‌شود. میترا حجار، حسین یاری، سیما ترانداز، رسول نخجیان، ماندانا طهماسبی، بیتا فرهی و... از دیگر بازیگران این سریال بهرامیان پیش از این ساخت سریال‌هایی چون «ساعت شنی»، «سقوط یک فرشته» و «جاده قدیم» را برعهده داشته است.

برادر جان

سریال «برادر جان» را سعید نعمت‌الله نوشته، محمدرضا آهنج آن را کارگردانی کرده و محمدرضا شفیعی هم تهیه‌کنندگی آن را برعهده دارد. نعمت‌الله و شفیعی پیش از این در سریال‌های دیگری ازجمله «عقیق» و «مادرانه» همکاری داشته‌اند. «عقیق» که اثری تاریخی بود در یک مناسبتی تلویزیون در ایام محرم ساخته و پخش شد. در این پای مادر، آخرین سریال رمضانی با فیلمنامه‌ای از سعید نعمت‌الله بود که دو سال پیش روی آنتن شبکه یک رفت. ازجمله بازیگران مطرح این سریال می‌توان به حضور علی نصیریان اشاره کرد. «میوه ممنوعه» حسن فتحی آخرین حضور این هنرمند در سریال رمضانی بوده است. از دیگر بازیگران این مجموعه می‌توان به حضور لعیا زنگنه، آفرین عیسبی، حسام منظور، سعید چنگیزیان، کامران تفتی، سجاد افشاریان و نسیم ادبی اشاره کرد.

دلدار

برادران محمودی پیش از این اولین سریال تلویزیونی خود را با نام «سایمان» در شبکه دو سیما ساختند که دوسال پیش روی آنتن رفت. این سریال هم روایت‌هایی عاشقانه داشت و به زندگی طبقه متوسط رو به پایین جامعه و مشکلات‌شان پرداخته بود